

بررسی ضرورت خلاقیت و تاثیرات آن بر یادگیری

کویستان کشاورزی (نویسنده مسئول)، رضا امیدی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان کردستان پردیس بنت الهدی صدر، سنندج، k.keshavarzi1376@gmail.com
دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان استان کردستان پردیس شهید مدرس، سنندج، re.omidi1998@gmail.com

چکیده

در این مقاله خلاقیت و یادگیری تعریف و تشریح شده است. همچنین ضرورت پرورش خلاقیت در دانش آموزان، عوامل آموزشگاهی مؤثر در خلاقیت و ویژگی های دانش آموز خلاق تا حدودی بیان شده و مفاهیمی چون بارش فکری و نگارش خلاق و مطالعه خلاق توضیح داده شده است و یافته های این مقاله نشان می دهد که پژوهش، بستری مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری و خلاقیت است. معلم به عنوان ایجادکننده شرایط و تسهیل کننده یادگیری دانش آموزان می تواند از طریق نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم اجبار دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش های قالبی آموزش، زمینه سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد. و اینکه با روش های مناسب مانند مطالعه خلاق، بارش فکری و نگارش خلاق، دانش تموزان و خلاقیت را در آنها تقویت نماید

واژه های کلیدی: خلاقیت، یادگیری، بارش فکری، نگارش خلاق، مطالعه خلاق

مقدمه

خلاقیت اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته است انسان را به مرحله پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل تمام مسائل و مشکلات زندگی یاری دهد. نمونه های خلاقیت را می توان در نقاشی روی دیوار در زمان غارنشینان مشاهده کرد. در حقیقت خلاقیت یک مفهوم انتزاعی و پیچیده است اما آنها در معناای و مفهس کلمه به معنی پیچیدگی است. از دنیایی که امروز به دلیل ویژگی های بسیار متغیر و خلاق که دارد تحت عنوان اصل خلاقیت و نوآوری نام برده می شود در این دوران فرایندها، پدیده های خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی عرصه های بسیار گسترده ای از جامعه انسانی را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داده است از این رو، عامل اساسی پایداری، پویایی و موفقیت های نهادهای مختلف، حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است. آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه های نوین یادگیری است که توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعی که در آن گردش امور مبتنی بر دستاوردها، اطلاعات و شاخص های علمی باشد جامعه دانش محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است. بچه هایی که به تفکر خلاق تشویق می شوند، روز به روز انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می دهند. همچنین خلاقیت، مهارت های انعطاف پذیری را که آنان برای رویارویی با آینده این نامعلوم نیاز دارند برایشان فراهم می سازد. بالا بردن ظرفیت خلاقیت می تواند باعث غنای زندگی شود و به مشارکت در ساختن جامعه ای بهتر کمک کند. دانش آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند اما موانع زیادی ممکن است جلوی خلاقیت را بگیرند. یکی از این موانع ها شاید تدریس تدافعی معلمان باشد. وقتی شاگردان برای مدت طولانی با توقع اندک و فعالیت ناچیز کار کنند، وقتی ثمره کارشان تحت نظارت و فرمایشی باشد و وقتی مقوله های پیچیده درسی به روش سطحی تدریس شوند آنان فرصت چندانی برای بروز خلاقیت به دست نمی آورند. لذا مقاله حاضر با هدف بررسی اهمیت خلاقیت، موانع و تأثیرات والد این و آموزش و پرورش و رشد خلاقیت دانش آموزان سعی در ارائه بهترین مطالب دارد. روش تدوین این مقاله به صورت کتابخانه ای می باشد که در آن از منابع به روز استفاده شده است.

از دنیای امروزه دلیل ویژگیهای بسیار متغیر و خلاق که دارد تحت عنوان عصر خلاقیت و نوآوری نام برده میشود در این دوران فرایندها پدیده های خلاقیت نوآوری و کارآفرینی عرصه های بسیار گسترده ای از جامعه انسانی را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داده است از این رو عامل اساسی پایداری پویایی و موفقیت های نهادهای مختلف حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه های نوین یادگیری است توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه ای که در آن گردش امور مبتنی بر دستاوردها اطلاعات و شاخصهای علمی بشد جامعه دانش محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است بچه هایی که به تفکر خلاق

تشویق میشوند روز بروز انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان میدهند همچنین خلاقیت مهارتهای انعطاف پذیری را که آنان برای رویارویی با آینده ای نامعلوم نیاز دارند برایشان فراهم می سازد بالا بردن ظرفیت خلاقیت میتواند باعث غنای زندگی و به مشارکت در ساختن جامعه ای بهتر کمک کند دانش آموزان خلاق به معلمان خلاق نیاز دارند اما موانع زیادی ممکن است جلوی خلاقیت را بگیرند.

۱. توضیحات اصلی

یکی از اهداف خلقت بشر توسط خالق هستی بخش که در بین تمامی موجودات خود، او را (احسن تقویم) یاد کرده، انسان است و از ویژگی های اصلی انسان که او را نسبت به دیگر خلائق برتری داده، بهره مندی از قوه عقل و تفکر خلاق است؛ زیرا یکی از مشخصه های اصلی انسان قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست. از دنیای امروز به دلیل ویژگی های بسیار متغیر و خلاقیتی که دارد تحت عنوان (عصر خلاقیت و نوآوری) نام برده م شود، در این دوران فرآیندها، پدیده های خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی^۱ عرصه های بسیار گسترده ای از جامعه انسانی را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داده است؛ از این رو، عامل اساسی پایداری، پویایی و موفقیت های نهادهای مختلف، حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است.

۱.۱. تاریخچه واژه خلاقیت

واژه خلاقیت در واقع از سال ۱۹۵۰ م که مفهوم آن در ایالات متحده آمریکا موضوع تحقیقات مهمی قرار گرفت، معمول شد. این کوشش شایان توجه آنکه هدف آن «تعمیم و تعمیق مفهوم ابتدایی و رایج خلاقیت بود، به این واژه منزلتی خاص بخشید [۱] اما در عین حال توسعه سریع و گسترده کاربرد آن در همه زمینه ها موجب شد که واژه مهم و قابل طرح در تمامی محافل علمی به حساب آید. خلاقیت با عوامل ژنتیک و موروثی ارتباط دارد، اما نمی توان منکر نقش والدین، معلم و محیط آموزشی در فراهم آوردن شرایط بالقوه برای بروز خلاقیت در یادگیری دانش آموزان شد.

مهمترین عامل در امر یادگیری خلاق، نقش معلم درآمورش است و این معلمان هستند که محیط های یادگیری خوبی می سازند و لذا کیفیت کار معلم در رأس امور مربوط به آموزش و یادگیری خلاق است؛ به طوری که تدریس مؤثر همواره به مثابه عنصر حیاتی امور یادگیری است و معلم در کلاس درس نیز می تواند به مثابه مدیر کلاس خود باشد، زیرا او مدیر فن- یادگیری است و یادگیری زمانی مؤثر است که یکی از عوامل اصلی آن، که معلم است کارآموده و با انگیزه و علاقه مند باشد تا بتواند در سایه تلاش برای آموزش بنیادی به انسانی ناآزموده با تکنیک های خود، امر یادگیری خلاق را تسهیل بخشد، در نتیجه در هزاره سوم میلادی و در عصر انفجار اطلاعات^۲ که تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از عمده ترین جریان های حاکم بر حیات بشری و از مهمترین مشخصه های بارز آن است، فرآیند خلاقیت، بسط ساز تغییر و تحول و دگرگونی عمیق است.

۲.۱. تاریخچه آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت

وقتی از آموزش خلاقیت و تاریخچه آن صحبت می کنیم با نام خالق انسان، عجب می گردد، او که انسان را خلاق خلق نمود و در گوهر وجودش کنجکاوای را نهاد، تا پدیده های گوناگون او را تحریک نموده و به پرسش یا کشف آن ترغیب شود، و همان گونه که خداوند نو آفرید و بر خویش آفرین گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، آیه) ۱۴؛ او نیز نو بیافریند و با دست یافتن به چرایی پدیده ها به خویشتن خویش و پروردگارش نزدیکتر گردد.

آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه های نوین یادگیری است که توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه ای که در آن گردش امور مبتنی بر دست آوردها، اطلاعات و شاخص های علمی باشد، جامعه دانش محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است. تقریباً بیش از نیم قرن قبل از کاترین پاتریک^۳ آموزش و یادگیری مبتنی

۱. Entere Preneurship

۲. Knowledge explosion

۳. Katrin Patrik

بر خلاقیت توسط والاس^۴ برای رفتار افراد خلاق طرح شده بود، والاس این شیوه را مورد آزمایش تجربی قرار داد. پس از آن کاری شبیه به این، توسط راسمن^۵ انجام شد. لمان^۶ در تحقیقات خود سعی در کشف ارتباط بین جنبه های کیفی و کمی رفتار خلاق داشت. این فعالیت ها در ایالات متحده آمریکا موجب شد تا مراکز مختلفی برای تحقیق پیرامون این مقوله به وجود آید. سپس پاول تارنس^۷ تحقیقات خود را در بررسی محیط و خلاقیت متمرکز نمود و کالوین تیلر^۸ در این زمینه به فعالیت پرداخت. بیش از ۴۰ سال قبل از اوایل دهه ۵۰ بزرگترین و معروفترین مرکز دست اندرکار تحقیق و آموزش خلاقیت به نام (بنیاد تفکر خلاق) توسط محقق بنام الکس اسبورن در بوفالو ایالت نیویورک تأسیس شد، این بنیاد تا پایان دهه ۵۰ بیش از ۱۰۰۰ دوره آموزشی خلاقیت را در کشور آمریکا اجرا نموده بود. دکتر اسبورن به واسطه فعالیت ها و خدمات چشمگیرش در این زمینه، در آینده لقب (پدر علم خلاقیت) را گرفت. در روسیه آموزش خلاقیت توسط (مدرسه نوآوران) صورت میگیرد. کشور ژاپن نیز از این قافله عقب نمانده و توسط مرکز آموزش خلاقیت، کار پرورش استعداد خلاقیت را آغاز نموده است. گذشته از این، جهت تشویق جوانان به تفکر غیرعادی و کسب شجاعت و جسارت در مطرح کردن ایده های نو و غیرمعمول هر ساله مسابقه ای به نام «المپیک نوآوران» برگزار می شود و برنده آن شخصی است که وسیله ساخته شده توسط او در عین حال که مفید است، از دیگران عجیب تر نیز باشد. در سرتاسر جهان امروز آموزش تفکر خلاقانه بخشی الزامی در برنامه آموزش برای کودکان شده است. درحقیقت اشتیاق هر فردی به موضوع و آموزش خلاقیت مشاهده می شود (رایز برگ، ترجمه والفی، ۸۷۳۱، ص ۵۱۱)، اما در نظام آموزش کشور ما از لحاظ خلاقیت نقصان وجود دارد؛ به طوری که هر چیز به صورت کلمات یا معادلات بیان می شود و عمدتاً ابزارهای بیان در اختیار دانش آموزان قرار می گیرند نه تفکر خلاق و لذا یادگیری و یاد دادن خلاقیت موضوعی است که متأسفانه توجه کسی را به خود جلب نمی کند و همچون اغلب مقوله های تعلیم و تربیت نوین خلاقیت نیز موضوعی فراموش شده است.

۳.۱. مفهوم خلاقیت

خلاقیت مفهومی است که مورد توجه فراوان روان شناسان به خصوص روان شناسان کمال قرار دارد و امروزه، همه محققان در این نظر متفق اند که اساس قدرت انسان ناشی از «خلاقیت» (اوست؛ و اهمیت خلاقیت و نقش زیربنایی آن در کلیه مسائل زندگی بر همگان آشکار است. برخی صاحب نظران قائل به این تعریف هستند که خلاقیت کشفیناگهانی است که این تعریف به مقوله کشف و شهود نزدیکتر است و برخی دیگر نیز قائل به این تعریف هستند که خلاقیت فرآیندی مدام و مستمر است؛ در عین حال، نیازمند زمینه و بستر اولیه نیز می باشد، این مداومت در وجود فرد نوعی بی قراری، تلاش و کنکاش ایجاد می کند تا بدان جا که از خود چیزهای تازه ای به ظهور می رساند. فرد خلاق، پذیرای اندیشه های تازه است، او محیطی را به وجود می آورد که در آن تجربه ها را می آفریند.

دکتر علی اکبر سیف می نویسد: آفرینندگی را می توان با اشاره به تعدادی توانایی ذهنی که منجر به تولید آثا خلاق می شود توصیف کرد؛ بنابراین خلاقیت: «توانایی عبور از مرز دانسته ها - محدوده ای عادی دارد - برای رسیدن به مرز ندانسته هاست»^۱ (سیف، ۹۷۳۱، ص ۸۴) و به طور کلی خلاقیت مفهومی چند بعدی و کیفیتی است که در همه انسان ها وجود دارد و تفاوت تنها در میزان آن است.

۴.۱. ضرورت خلاقیت

برای پیشرفت و حرکت رو به آینده برتر و حل انبوه مسائل و مشکلات موجود به خصوص در هزاره سوم میلادی و در عصر طلایی که معروف به عصر انفجار اطلاعات^۲ است و تغییر و تحول مستمر و [پرشتاب از اصلی ترین شاخصه های حاکم بر حیات بشری است، جامعه انسانی ناگزیر به حرکت در جاده خلاقیت، نوآوری و ابتکار است؛ و لذا برای دستیابی به این مهم باید بر تأثیرپذیرترین گروه جامعه یعنی کودکان و نوجوانان سرمایه گزاری نماید، زیرا آغاز انگیزه کنجکاوی و خلاقیت در کودکان نسبت به

۴. Wallas

۵. Rasman

۶. Lahman

۷. E.Powl Tarrance

۸. Calvin Tayhr.

همه گروه های سنی قوی تر بوده و هر اندازه محیط زیست آنان از نظر منابع اطلاعاتی غنی تر باشد، این انگیزه از طریق سازوکارهای جدید از قبیل پرسشگری، برانگیختن کنجکاوی و چون و چرا کردن و پژوهشگری از قوه به فعل درآمده، موجب رشد خلاقیت می شود. لذا کنجکاوی، در واقع عشق به کشف و دانستن و نوآوری است، عشق به کسب اطلاعات تازه و عشق به رسیدن به موقعیت هاست که منشأ و ریشه رفتارهای خلاقانه و نوآورانه است؛ در نتیجه آموزش و پرورش باید چشمه های جوشان این کنجکاوی را سیلان بخشد و روش های آموزشی را بر پایه باورهای خلاق بنا کند تا طرح دیدگاه های تازه و بدیع درباره مسائل مختلف این مهم را میسر سازد. بر این اساس اگر مدارس ما به نظرات متفاوت و احیاناً غیرعادی ارج نهند و معلمان، مربیان و اولیاء دانش آموزان نه تنها اجازه دهند تا کودکان مطابق ذوق و سلیقه خودشان اشیاء و امور را کشف کنند، بلکه آنها را مورد تشویق و ترغیب نیز قرار دهند؛ در آن صورت زمینه های توسعه و شکوفایی استعدادها فراهم خواهد شد.

ضرورت بعدی در این امر پرورش تخیل در کودکان است، مانند بیان داستان های تخیلی، نقاشی کردن و ساختن اشیاء مختلف از طریق ترکیب اجزاء آنها؛ «به طور کلی نقاشی های آزاد، مقاله نویسی و نگارش داستان های کوتاه زمینه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش آموزان را بهتر فراهم می کند» (شریعتمداری، ۷۶۳۱، ص ۷۱۴) و نیز فراهم کردن شرایط اجتماعی و شرایط جدید در آموزش و پرورش تحت عنوان تعلیم و تربیت خلاق، امری ضروری و جدی است.

۵.۱. مفهوم یادگیری

یادگیری عملی است که در درون هر فرد انجام می پذیرد، نتایج حاصل از یادگیری از طریق تغییرات رفتاری که در فرد به وجود می آید، قابل سنجش است. به عقیده بسیاری از روان شناسان، هر دانش آموز باید به تنهایی به فعالیت یادگیری بپردازد و تکالیف و میزان یادگیری هر دانش آموز باید جداگانه تعیین شود. سازگار کردن آموزش و یادگیری با نیازهای آتی اجتماعی می تواند اثربخش و مفید باشد، بدین معنا که مدارس باید بتوانند همواره در زمینه یادگیری مستمر فعالیت کنند؛ ترغیب و حمایت از این فرآیند مستلزم فرآیندهای مناسب یادگیری است که در آن فراگیران باید در تنظیم فرآیند یادگیری خود سهیم شوند. بنابراین یادگیری به فرآیندی اطلاق می شوند که فراگیرنده نیاز به اطلاعات کافی درموردی مانند موضوع مواد درسی و محتوا داشته باشد و برای نیل به این منظور معلم با سازماندهی فعالیت های یادگیری و ساختارهای فنی از او حمایت می کند.

۶.۱. خلاقیت و نوآوری در عرصه تعلیم و تربیت

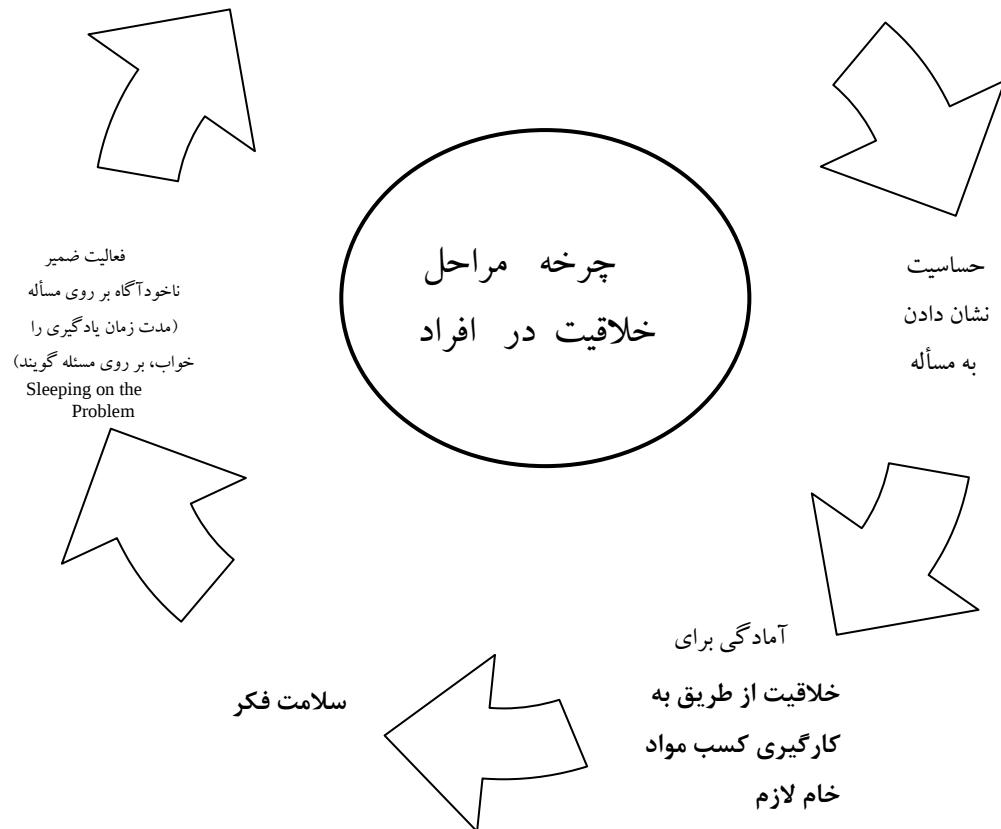
عرصه تعلیم و تربیت به دلیل اهمیت، نقش و تأثیرگذاری، از زوایای گوناگون قابل تأمل و بررسی است. از نظر گستره، طیف وسیعی از جمعیت جوان و آینده ساز کشور را تشکیل می دهد که از کودکان تا سطوح عالی دانشگاهی را در برمی گیرد. و از نظر پیچیدگی شامل فرآیندهای متعدد و فراوان اجزای نظام آموزشی است که هریک در روند تعلیم و تربیت مؤثر بوده و در شکل گیری، رشد و پویایی تعلیم و تربیت نقش آفرینی می کنند. از نظر ابعاد مادی و معنوی و باتوجه به موضوعات متعدد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، هنری و مانند آن قابل بررسی است. لذا خلاقیت در عرصه تعلیم و تربیت موضوعی همه جانبه، وسیع و تأثیرگذار است که چنانچه به درستی شناخته و مدیریت شود می تواند در همه مسایل تعلیم و تربیت که مترتب بر اجزای نظام آموزشی است ایفای نقش نماید. (مجله حصون زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۸)

چگونه امر آموزش و یادگیری خلاق را در افراد قوت بخشیم؟

کارهای بسیاری وجود دارد که والدین و مربیان می توانند انجام دهند تا ایجاد یادگیری در دانش آموزان قوت گیرد، ما می توانیم با حفظ روابط مطلوب والدین و دانش آموز و اینکه اجازه دهیم دانش آموزان آگاه شود که به نظر ما مدرسه اهمیت دارد، تلاش آموزش او را افزایش دهیم. همچنین با آموزش عادات مطلوب. مطالعه و فراهم سازی شناختگی^۱ برای موفقیت هایش او را یاری دهیم. همکاری با معلم نیز می تواند اهمیت داشته باشد، زیرا آموزش و یادگیری خلاق دو فرآیند اساسی در آموزشگاه است که معمولاً تمام کار آموزشگاه بر مبنای تحقق آنها مورد ارزیابی قرار می گیرد. یادگیری در دانش آموزان را معادل تغییر رفتار آنها تعریف کرده اند. یادگیری قبل از آنکه یک پدیده فردی باشد، پدیده اجتماعی است که بدون وجود روابط بین اعضای جامعه امکان پذیر نیست. تا معلم، محیط خاص و عواملی مانند بازخورد و تقویت کننده وجود نداشته باشد یادگیری خلاق به خوبی

انجام نمی گیرد؛ بنابراین اولین چیزی که معلمان باید به خاطر بسپارند این است که یادگیری به عنوان اساسی ترین کار آموزشگاه است و این امر بدون برقراری روابط کنش و واکنش، و تعامل بین معلم و شاگرد و محیط امکان پذیر نخواهد بود.

صاحب نظران علم خلاقیت، در پاسخ به این سؤال که: (انسان ها چگونه از خود خلاقیتی بروز می دهند؟) متأسفانه تاکنون تصویر جامعی از فرایند خلاقیت ارائه نداده اند، اما اکثر آنها درباره اینکه مراحل سیر خلاقیت به شکل مجزا و به هم پیوسته هستند، اتفاق دارند.



آموزش، رشد و توسعه خلاقیت می تواند زیرساختار تحول توسعه برنامه ریزی آموزش و پرورش باشد، زیرا راه رشد، توسعه و تعالی کشور، سرمایه گذاری در تعلیم و تربیت است و حرف اول در کشورهای توسعه یافته، توسعه انسانی است و پایه و اساس توسعه انسانی یادگیری مبتنی بر خلاقیت کلاسی است که در این رابطه توصیه به اصول زیر را می نمایم.

۱. نسبت به دانش آموزان نگرش تحقیقی داشتن به جای نگرش تقلیدی؛
۲. فراهم کردن منابع برای ایجاد مفاهیم در دانش آموزان؛
۳. اوقات را به فعالیت های فعال و آرام تقسیم کردن؛
۴. توسعه برنامه های بازدید علمی برای دانش آموزان؛
۵. ایجاد زنگ خلاقیت و نوآوری در مدارس؛
۶. تهیه امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس؛
۷. معرف یدانش آموزان پژوهشگر و خلاق تح عنوان دانش آموز پژوهنده برگزید ه سال؛
۸. تشویق اندیش هها و پیشرفت های بکر، ناب و خودانگیخته دانش آموزان توسط معلمان؛
۹. توجه ویژه به توسعه فرهنگ دانش آموز محوری (فراگیرمحوری) به جای معلم محوری در مدارس و دانستن اینکه معلم، راهنماست و نقش یاری دهنده و هدایتگر را ایفا می کند؛
۱۰. طرح سؤالات هنرمندانه در کلاس توسط معلم، راهی به سوی پاسخ های خلاق گشوده می شود؛
۱۱. تشکیل انجم نهایی علمی دانش آموزان پژوهنده در مدارس؛
۱۲. تشریح فرایند خلاقیت و دادن اطلاعات لازم به دانش آموزان؛
۱۳. فراهم کردن زمینه تفکر تخیلی توسط معلمان در کلاس درس؛
۱۴. الزام معلمان بر فعالیت های آزمایشگاهی برای دانش آموزان؛
۱۵. دانش آموزان را به محرک های محیطی حساس تر کردن؛
۱۶. با دانش آموزان خلاق، فکورانه و منطقی برخورد کردن؛
۱۷. تکالیف ناتمام دادن به دانش آموزان و حداکثر فرصت را برای اکتشاف دادن و زمینه فردیت و ابتکار را فراهم آوردن؛

ضرورت تأکید بر پرورش خلاقیت در مدارس

بشر در عصر جدید با جهش کوانتومی و عمیق ترین خیزش اجتماعی با خلاّقانه ترین نوسازی مواجهه گردیده است؛ در این عصر، نقش ماهواره ها و رسانه های گروهی و ارتباطات جهانی به نحو شگفت آوری متحول گشته و انتقال معارف بشری و عرضه اطلاعات را به درون کشورها، شهرها، روستاها، و مدرسه ها و خانه ها به خوبی میسر ساخته است.

علی رغم موفقیت های چشمگیری که بشر امروزی در عرصه های مختلف علمی، فنی، رفاهی و ... بدان دست یافته، با ناکامی های بسیاری هم در ابعاد مختلف زندگی روبروست؛ در جازدن در عادت ها، نداشتن مهارت استفاده از آموخته ها و تجارب، برخوردهای غیرمنطقی و نامعقول با موقعیت ها، ناکارآمدی در مواجهه با شرایط خاص، نداشتن روش و منش علمی در انجام امور روزمره و ... از جمله ناکامی هایی هستند که می توان آن را با پایین بودن سطح خلاقیت در میان افراد جامعه معادل دانسته و بخش اعظم آن را به کارکرد مدارس نسبت داد؛ زیرا مدارس به عنوان واحدهای علمی آموزش و پرورش، این رسالت بزرگ را بر دوش دارند که باید هموارکننده مسیر خلاقیت و نوآوری در جوامع بشری باشند؛ اما واقعیت ها به صراحت گویای این حقیقت هستند که امروزه انجام این رسالت به طور قابل ملاحظه ای با ناکامی همراه بوده و بسیاری از راه هایی که ممکن است به بروز خلاقیت و نوآوری ختم شوند، در پیش روی مدارس سخت ناهموارند!

سیستم آموزشی کشور ما تمرکز بسیار زیادی بر مهارت های استدلالی با توالی زمانی داشته و توانایی های خلاقانه تر کاملاً تحت الشعاع قرار گرفته اند و اغلب نه تنها مربیان، بلکه اولیای با حسن نیت نیز فعالانه از بروز خلاقیت ها جلوگیری می کنند و دانش آموزان از بروز خلاقیت های با ارزش خود منع می شوند. مدارس اندیشیدن را نمی آموزند و به

جای تشویق و اشاعه اندیشه و روشهای فکری واگرا، همگرایی را ترویج می کنند. دانش آموزان خود را دائماً به اشتغالات مکلف و مسئولیت های موظف وامی دارند و این درحالی است که تجارب محققان خلاق و اندیشمندان نوآور در عرصه های علوم و فنون برتر حکایت از آن دارد که چنین اشتغالات و مسئولیت هایی نمی گذارند اندیشه های خلاق به راحتی شکوفا شوند (افروز، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱). در نظام های کنونی آموزش و پرورش، تفکر همگرا محور و اساس کار است و تفکر واگرا، نه تنها مورد عنایت نیست، بلکه اغلب تضعیف هم می شود؛ درنتیجه، وقتی کودک به مرحله بزرگسالی م ی رسد، خلاقیتی در خود احساس نمی کند (حق شناس، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

در آموزش و پرورش فعال، نقش معلم نقش تشنه کننده است نه سیراب کننده؛ معلم خلاق، ذهن دانش آموز را از تعادل و سکون و ارضای موجود خارج می کند تا خود فرد از طریق قانون و اصل تعادل جویی به تعادل دست یابد (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۹۳۱ به نقل از سام خانیان، ص ۱۸۳). معلمانی در ایجاد توانایی خلاق در کودکان موفق هستند که به افراد فرصت می دهند متناسب با توانایی های خود پیش روند، فرصت فعالیت کردن در موضوعات دلخواه را به آنها بدهند، کتاب های مهم به آنها معرفی نمایند، و آنها را به تفکر واگرا وادارند (سام خانیان، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

معلم از طریق چندین عملکرد اساسی می تواند زمینه های رشد خلاقیت را در دانش آموزان فراهم سازد که به شرح مختصری از آنها خواهیم پرداخت: ساختار فیزیک کلاس: قرار دادن محرک های بصری در کلاس، چیدن مناسب میز و صندلی ها، اختصاص فضای لازم برای فعالیت دانش آموزان ازجمله مواردی است که می تواند در تسهیل فرایند یادگیری خلاق نقش ایفا کند.

۷.۱. نگارش خلاق

برخی از نظریه پردازان خلاقیت، بر نگارش خلاق به عنوان روشی که به افزایش خلاقیت آزمودنی ها می انجامد تأکید کرده اند. دقتیون نوشتن خلاق را به شرح زیر تعریف می کند: نگارش خلاق به متنی اطلاق می شود که فرد در آن به طرح ابعاد عاطفی و هیجان پر لطف و زیبای موردنظرش بپردازد، بدون آنکه برای پردازش پندارها و تصورات خودش مجبور به نادیده انگاشتن واقعیات شده یا منطق را به کناری وانهد.

کوچ (۱۹۹۷) در مقاله ای با عنوان «درها را بکشاید، ابراز وجودتان سد راه است»، برای تربیت خلاق شاگردان توصیه می کند آن ها در جریان نگارششان متن موردنظر را در اوج هیجان ممکن تهیه کرده و در جریان آن، به بیان عواطف و احساساتشان بپردازند و در این راه هیچ محدودیتی برای خودشان قایل نشوند.

تورنس یادآور می شود از آنجا که شاگردان ابتدایی علاقه وافری به نوشتن نشان می دهند، اولیای مدارس می توانند از انگیزه مزبور سود جسته، شاگردان کلاس های سوم تا ششم را به سمت تهیه روزنامه دیواری در مدرسه سوق دهند.

در این روش، ارائه تکالیفی با عناوین آزاد، تکمیل داستان هایی که قسمت هایی از آن ها حذف شده اند، مسابقه یافتن لغات مترادف پیشنهاد شده است. واجنریب (۱۹۹۸) در روش حذف کلمات خویش پیشنهاد می کند که متن کوتاهی را می توان با سرعت متوسطی برای دانش آموزان کلاس قرائت کرد و در حین خواندن، برخی از کلمات آن را حذف کرد و به جای آن نقطه گذاشت. سپس دانش آموزان را به گروه های کوچکی تقسیم کرد و از آن ها خواست تا به بازنویسی کامل داستانی که شنیده اند بپردازند.

اسبورن پیشنهاد مسابقه گذاشتن بین شاگردان برای یافتن لغات مترادف را ارائه کرده است. این مسابقه با یافتن کلمات مترادف عینی شروع شده، به یافتن کلمات مترادف غیرعینی و ذهنی می انجامد که کار دشوار و خلاق بوده، مستلزم حرف آفرینندگی بسیاری است.

کوریل و نابولیلو (۱۹۹۶) پیشنهاد می کنند که به ارائه تصاویری مبهم به شاگردان بپردازند، سپس آن ها را به تهیه متنی خلاق بر مبنای آنچه مشاهده کرده اند، وادارند.

۸.۱. مطالعه خلاق

برخی از نظریه پردازان خلاقیت با اعتقاد به اینکه امکان آموزش خلاقیت وجود دارد درصدد برآمده اند تا روحیه ای فعال، جستجوگر، انعطاف پذیر، پرشور و هیجان زده را در جریان مطالعه ایجاد کنند تا مطالعه به خواندن خلاق و آفریننده بدل شده، متضمن افزایش خلاقیت خوانندگان باشد.

یکی از روش های ساده که برای مطالعه خلاق پیشنهاد شده این است که از خواننده خواسته شود در جریان مطالعه از خود بپرسد: مؤلف چه می گوید، از آنچه که مؤلف می گوید چگونه و در کجا می توان سود جست؟ بدین سان، خواننده به جای پیش گرفتن سبک مطالعه منفعل و صحنه های گوناگون، عرصه وسیعی برای جولان تخیلات خود پدید می آورد. از این رو، زیتلو پیشنهاد می کند که جوانان به مطالعه ادبیات تشویق شوند تا به این ترتیب، از مواهب آن، که به افزایش خلاقیت آنان می انجامد، بهره مند گردند. ۱۶. تورنس به افراد بزرگسالی که برای کودکان کتاب می خوانند توصیه می کند داستان را به گونه ای بخوانند که گویی داستان در حال وقوع است.

به عبارت دیگر، بچه ها باید آنچه را که می شنوند با قدرت تصورشان بازسازی کرده، خود را در فضای عاطفی داستان قرار دهند و سعی کنند عیناً تصاویر و پندارها، صداها و رایحه های توصیف شده و نشده را احساس کنند. رسانه های جمعی، بخصوص تلویزیون، بیشترین نقش را در چگونگی پرورش تخیل و شکوفایی خلاقیت به عهده دارند. هر آنچه تفکر کودکان و نوجوانان خلاق را می سازد، قدرت تخیل، رهایی از کمبودهای فکری و فراهم بودن محرک های حسی و ارائه اطلاعات جدید به آن هاست. همواره باید تلاش شود که خلاقیت های بالقوه کودکان و نوجوانان شناخته شود.

۹.۱. بارش مغزی

دکتر اسبورن چهار قاعده اساسی را برای روش بارش فکری ارائه کرده است. این روش ها عبارتند از:

۱. ممنوعیت انتقاد؛ ۲. آزادی ارائه ایده ها؛ ۳. مطلوبیت کمیت؛ ۴. مطلوبیت ترکیب ایده ها.

اسبورن به نقل از آرنولد می نویسد: بارش مغزی به این دلیل با موفقیت روبه رو شده است که در آن، محیط ایده آلی برای ابراز آزادانه شخصیت وجود دارد؛ به این معنا که در بارش فکری، محیطی که حاوی امنیت و آزادی روانی است پدید می آید. در چنین محیطی ارزیابی بیرونی از بین رفته، فرد ترسی از تمسخر دیگران نخواهد داشت. من قانع شده ام که امکان دارد یک فرد نیز بتواند یک گروه پرورش فکری تشکیل بدهد که خودش تنها عضو آن باشد.

برخی از مردم نیاز به یک گروه دارند که در آن ها جرقه ای ایجاد کند و آنان را به تدبیر یک فهرست طولانی از راه های مختلف برای حل یک مسئله وادارد، در صورتی که خود گروه ممکن است مستقیماً در این زمینه کمکی به آن ها نکند.

۱۰.۱. ویژگی های دانش آموزان خلاق و راه پرورش آن

یکی از راه های دستیابی به نظام آموزش و پرورش خلاق، شناخت دانش آموزان خلاق با خصوصیات و ویژگی های آن نظام است تا بر مبنای شناخت آنها بتوان برای تقویت هرچه بیشتر زمینه های خلاقیت و نوآوری برنامه ریزی نمود .

محیط خانواده و مدرسه می تواند نقش مهمی در فراهم کردن زمینه های بروز خلاقیت در دانش آموزان داشته باشد، ضمناً حمایت از اندیشه خلاق به منظور متبلور کردن خلاقیت در دانش آموزان تأثیر اساسی دارد؛ به عنوان مثال، راه رسیدن به این امر، مشارکت دانش آموزان در فعالیت های خانه و نیز در فضا سازی کلاس درس و ... می باشد.

نتیجه گیری:

خلاقیت و نوآوری در عرصه نظام تعلیم و تربیت به همه ارکان و اجزایش، زمانی به ثمر می نشیند که به صورت فرهنگ و نهضت مستمر و پویایی جوشش داشته باشد. نظام تعلیم و تربیت خلاق، نظامی است که مدیران سطوح مختلف، معلمان و مربیان، فراگیران، کارکنان آموزشی و همه کسانی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در این روزگار تأثیرگذارند به خلاقیت و نوآوری اعتقاد داشته و از شناخت لازم برخوردار باشند. در چنین وضعیتی خلاقیت و نوآوری در تمام زوایای نظام تعلیم و تربیت جاری است و می تواند منشأ تولید علم و خدمات، شکوفایی استعدادها و رشد و تکامل مادی و معنوی را فراهم سازد. گستره خلاقیت در نظام تعلیم و تربیت در نمودار ذیل به صورت ترام نشان داده شده است. خلاقیت از جمله تمایزات بارز انسان با حیوان است، شاید خداوند متعال «اسماء» را که به انسان آموخت و به انسان این توانایی را داد که می تواند مثل او شود و ص فات وی را به خود بگیرد، یکی از جلوه های همانندی انسان با او، همین قدرت ابتکار آفرینندگی و خلاقیت بشر باشد.

توسعه، پیشرفت و تحولات شگرف دنیای کنونی در ابعاد مختلف، مرهون تلاش اندیشمندان و قدرت خلاقه ذهن و اندیشه بارور آن است. اگر امروزه، جوامع با میزان توسعه یافتگی و توان ایجاد تحولات مثبت در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی مورد مقایسه، سنجش و ارزیابی قرار می گیرند، کشوری می تواند در این مقیاس رتبه برتری را احراز نماید که قادر باشد انسان هایی با کیفیت های خلاق تربیت نماید.

در پاسخ به اینکه خلاقیت چیست؟ و چگونه می توان آنرا به وجود آورد؟ از خلاقیت به توانایی غلبه بر مشکلات غامض و پیچیده به نحوی بدیع و بی سابقه و عبور از مرز شناخته ها به مرز ناشناخته ها و گشودن رمز آنها تعبیر کرده اند و در تعاریف گوناگونی که از خلاقیت به عمل آمده، همگی به ویژگی هایی چون نگاه عمیق، متفاوت و اصیل و ترکیب و ایجاد پدیده ها و اندیشه های نو و بدیع تأکید نموده اند.

پژوهش، محملی مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری و خلاقیت است، معلم به عنوان ایجادکننده شرایط و تسهیل کننده یادگیری دانش آموزان می تواند از طریق نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم تحمیل دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش های قالبی آموزش، زمینه سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد. بنابراین، با ترتیب و تدارک مناسبی از ساختارهای فیزیکی کلاس، آموزش و یادگیری و ساختارشناختی و فکری، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان، می توان موجبات رشد و پرورش خلاقیت و آفرینندگی شاگردان را فراهم ساخت. برای دستیابی به چنین هدفی، از سویی باید به آزاداندیشی، سعه صدر، تفکر انتقادی و تشویق پرسش ها و ارائه راه حل های غیرمعمول، یادگیری اکتشافی، تحرک و پویایی، حساسیت به محرک های محیطی و ... ارزش داده شود و از سوی دیگر، از اصرار بر همنوایی، رفتارهای سلطه جویانه، تمسخر، اهمیت بیش از حد بر ارزش یابی و موفقیت در آن و تشویق همگرایی پرهیز شود. فرایند خلاقیت دارای مدل های متفاوتی است. دانش آموزان خلاق با ویژگی ها و خصیصه هایی از قبیل: توجه به محرک های پیرامونی، اعتماد به نفس، ذهن خلاق، لذت بردن از نواندیشی، نهراسیدن از اشتباه، قدرت استنتاج، کنجکاوی، نوگرایی، حساس بودن، دقیق بودن، خطر کردن، ابراز وجود نمودن، مستقل بودن، صبوری و علاقه به کوشش علمی، برخورداری از فکر انتزاعی، انعطاف پذیری، امیدواری خود رهبری، معنویت گرایی، تسلط بر غرایز، حافظه قوی و ... قابل شناسایی اند.

صاحب نظران علم خلاقیت، فرایند خلاقیت را در فراگردی متداوم، که از «کسب دیدگاه و نگرشی موافق نسبت به ایده های نوین» آغاز شده و با طی مراحل، همچنان ادامه می یابد، نشان میدهند.

بنابر آنچه گذشت، خلاقیت به عنوان یک علم، عاملی اساسی در پیشرفت و توسعه جوامع تلقی می شود و مدرسه و معلم، به مثابه مکانی مناسب برای آموزش خلاقیت و ابتکار به دانش آموزان به شمار می آیند، زیرا خلاقیت امری آموختنی و قابل آموزش است و با ایجاد شرایط، مقتضیات، تجهیزات و امکانات لازم، می توان به پرورش افراد خلاق پرداخت.

منابع

- [1] افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). «تابستان و دانش آموزان - خلاقیتها و آسیب پذیری ها»، پیوند، شماره ۲۶۱-۲۶۳.
- [2] الوانی، سید مهدی (۱۳۷۱). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی .
- [3] لامعلی افروز، «خلاقیت»، نشریه پیوند، ش ۲۴۱، انجمن اولیا و مربیان.
- [4] اورمولر ۱۹۹۲، به نقل از: مرتضی منطقی، بررسی پدیده خلاقیت در کتاب های درسی دبستان، بررسی تأثیر آموزش خلاقیت در دانش آموزان ابتدایی و ارائه الگوهایی برای آموزش، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- [5] بوومن و روتر ۱۹۸۳ به نقل از: مرتضی منطقی، پیشین.
- [6] لیتون، به نقل از: مرتضی منطقی، پیشین.
- [7] اسبورن، مایر ۱۹۹۶، برچارد ۱۹۹۹ به نقل از مرتضی منطقی، پیشین.
- [7] زیتلو، ۲۰۰۰، به نقل از مرتضی منطقی، پیشین.
- [8] غلامعلی افروز، «نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان»، مجله پیوند، ش ۱۵۹.
- [9] ای پل، تورنس، پیشین.
- [10] ج. اف نلر، هنر و علم خلاقیت، ترجمه علی اصغر مدد، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹.
- [11] علی اکبر سیف، روان شناسی پرورشی، تهران، آگاه، ۱۳۷۰.
- [12] ر.ک. رابرت. ال. سولو، روان شناسی شناختی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، رشد، ۱۳۷۱.
- [13] بتول مهین زعیم، مقایسه میزان خلاقیت و ویژگی های شخصیتی دانشجویان سال اول (ورودی ۷۸) رشته های هنر علوم انسانی و مهندسی و پزشکی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- [14] بودو، آلن (۱۳۷۱). خلاقیت و آموزشگاه، ترجمه علی خان زاده، تهران: شرکت سهامی چهر .
- [15] تفرشی پناه، مهین (۱۳۷۷) مدیران و کاربردی کردن موضوعات درسی « فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره مسلسل ۹۱-۸۱.
- [16] خانزاده، علی (۱۳۷۱). «خلاقیت کودکان»، پیوند، شماره ۵.
- خیاطی، نسترن (۱۳۸۱) (انگیزش، راهبردی برای آموزش «؛ ماهنامه اندیشه ، سال پنجم، شماره ششم، تبریز: سازمان آموزش و پرورش.
- [17] سام خانیان، محمدربیع (۱۳۸۱)، خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی ، تهران:
- [18] سیف، عل یاکبر (۱۳۷۹) روان شناسی پرورشی، تهران: انتشارات آگاه .
- [19] مجله حصون زمستان ۱۳۸۷، شماره ۱۸)
- [19] Dececo, J. P. & Crawford. W. R. (1974). *Psychology of learning and instruction*. Etucational Psychology Enylewood Cliff. S.N.J, Prentice-Hall.
- [20] eysenk, J. Arnold. W. Meili. R. (1979). *Encyclopedia of P Sychology*. Seaburg Press N.Y.
- [21] Ghiselin, A. (1952). *The Creative Process*. Anyeles, Calif: University of California Press.
- [22] Maier. N.R. (1930). *Reasoning in Humans*, I, On diection, journal of comparativ Psychology.
- [23] Papalia, D.E. Wendkosolds, S. (1995). *Human development*. Newyork: McGraw-Hill.
- [24] Sternberg, R, J. (1989). *The Triachic Mind: A new theory of Human Intelligence*. Penguin Books.
- [25] Torance, E.P. (1960). *Eight Patial replications of the Getzels and Jackson study*, Minneapolis University of Minnesota.
- [26] Torance, E.P. (1990). *Fostering Academice in gifted students*. Eeic ECDigest. U.S.A.
- Witting, A.F. & Williams, G. (1984). *Psychology*. Newyork: McGraw-Hill.

